

محدودیت‌های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف‌کننده*

ناصر کاتوزیان*

استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۶/۲۵)

چکیده:

اصل آزادی قراردادی مفهومی محدودتر از اصل حاکمیت اراده دارد و مانع نظارت قانون‌گذار بر قراردادهای خصوصی نیست. در همین راستا، تمهیداتی اندیشیده شده است تا تعادل میان حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده فراهم آید. از جمله این تمهیدها الزام به معامله با مصرف‌کننده بر مبنای نظم عمومی در رویه قضایی است. به ویژه، در فرضی که تولیدکننده به انحصار عرضه کالای مورد نیاز عموم را در اختیار دارد، کار او در زمره خدمات اجتماعی و عمومی در می‌آید و تابع نظم عمومی می‌شود. هدف از این سخنرانی ارزیابی این رویه در نظام حقوقی ایران است.

واژگان کلیدی:

آزادی قراردادی - حاکمیت اراده - نظم عمومی - اخلاق حسنه - انصاف - عدالت - نظم اقتصادی - شروط گزاف.

* سخنرانی در سمینار حمایت از مصرف‌کننده، پردیس قم، ۱۳۸۶.

* فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

مقدمه

پیش از آغاز بحث لازم است به دو نکتهٔ مقدماتی توجه کنیم: نخست تفاوت اصل آزادی قراردادی با اصل حاکمیت اراده است که معمولاً این دو اصطلاح با هم مخلوط می‌شوند، در حالی که کاملاً متفاوت‌اند. «اصل حاکمیت اراده» مبتنی است بر این که حکومت ارادهٔ انسان استقلال دارد و منبعث از قانون نیست: انسان به عنوان اشرف مخلوقات، می‌تواند با ارادهٔ خویش حق و تکلیف به وجود بیاورد و حتی قوانین حق ندارند به آثار این اراده تجاوز کنند. قانون مدنی فرانسه با تأثیرپذیری از این نظریه می‌گوید: «قرارداد، قانون طرفین است» و در نتیجه، هیچ قانونی نمی‌تواند آن را محدود کند. در حالی که، اصل «آزادی قراردادی» از قانون منبعث شده است. به بیان دیگر، آزادی قراردادی برخاسته از مصالحی است که قانون‌گذار لازم می‌دانسته و هر زمان آن را مخالف با مصالح عمومی بداند می‌تواند محدود سازد؛ مثلاً، به موجب اصل «آزادی قراردادی» قانون می‌تواند شرط‌های آمیخته با حيله یا شروط گزاف را نافذ نداند. در حالی که مطابق اصل حاکمیت اراده، طرفین وقتی با هم توافق کردند، قانون نمی‌تواند مانع نفوذ آن شود. کانت، حکیم بزرگ آلمانی که تقریباً بیشتر ساختمان جامعهٔ متمدن امروزی بر عقاید وی بنا شده است، در این مورد می‌گوید: «اگر کسی دربارهٔ دیگری تصمیم بگیرد ممکن است عدالت رعایت نشود و تجاویز رخ دهد ولی وقتی کسی دربارهٔ خودش تصمیم بگیرد دیگر نگرانی از این که عدالت از بین برود وجود ندارد.»

بر طبق این مبنا، در قرارداد به هیچ‌وجه قانون‌گذار نباید دخالت کند، در حالی که در واقع چنین محدودیتی وجود ندارد و نظام حقوقی کشورهای مختلف از این قاعده به طور کامل پیروی نمی‌کنند. (رک: کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ش ۸۵ به بعد) از اصل آزادی قراردادی نتایج مهمی گرفته می‌شود، از جمله این که، (۱) شخص در بستن یا نبستن قرارداد آزاد است؛ هر کس می‌تواند طرف قرارداد خود را آزادانه انتخاب کند؛ (۳) در مفاد قرارداد طرفین دولت دخالت ندارد (همان، ص ۸۶). این اصل از اصل آزادی قراردادی و به طریق اولی از اصل حاکمیت اراده استنباط می‌شود و ما در این جا محدودیت‌های آن را با توجه به حقوق مصرف‌کننده بررسی می‌کنیم.

۲. مطلب دیگر این است که، با اصطلاح حمایت از مصرف‌کننده یا حمایت از تولیدکننده زیاد موافق نیستیم. به نظر من، هدف ایجاد تعادل بین حقوق تولیدکننده و حقوق مصرف‌کننده است. در طول تاریخ این حمایت تغییر جهت داده است. ابتدا حقوق دانان، برای این که سرمایه‌گذاری در جوامع صنعتی رواج یابد، حمایت از تولیدکننده را شعار خود قرار دادند. همه می‌خواستند تولیدکننده به سرمایه‌گذاری تشویق شود و امنیت اقتصادی پیدا کند. یکی از مبانی تقویت نظریهٔ تقصیر و محدود ساختن مسئولیت به مواردی که گناه و خطایی به شخص

نسبت داده می‌شود. بر اساس همین سیاست، یعنی تشویق سرمایه‌دارها به سرمایه‌گذاری است. ولی، پس از آن که گول‌های سرمایه‌داری ایجاد شدند و کارتل‌ها انحصاراتی را در دست گرفتند، این حمایت به طرف مصرف‌کننده تغییر جهت یافت.

با این حال، حمایت باید تا جایی باشد که تولیدکننده را از سرمایه‌گذاری بیزار نکند. برای مثال، طبق آمارهای منتشر شده در سال ۱۹۷۹ در امریکا هفده هزار هواپیما تولید شد و بعد از ۱۹۸۰ که مسئولیت محض رونق گرفت (یعنی صرف‌نظر از تقصیری که تولیدکننده دارد اگر از عیب تولید خسارتی به دیگری وارد شود باید جبران کند) در ۱۹۸۷ این تولید به ۱۰۸۵ فروند هواپیما رسید. طبق آمار دیگر کمپانی سسنا در ۱۹۷۹ نه هزار بیستون هواپیما می‌ساخت در حالی که در ۱۹۸۷ تولید آن به صفر رسید. نتیجه این عمل این است که مردم به کالای خارجی رغبت پیدا می‌کنند و این باعث گرانی کالای خارجی می‌شود. به بیان دیگر، حمایت از مصرف‌کننده نتیجه عکس می‌دهد به جای این که از مصرف‌کننده حمایت شود، کالاها گران می‌شود و این به ضرر اوست.^۱ (کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید، ش ۶؛ و Coleman, chop.20,product Liability,p.408,409)

دو سال پیش در کتاب **مسئولیت ناشی از عیب تولید** (چاپ دانشگاه تهران) سیستم کشورهای مختلف از جمله آلمان و امریکا را در این زمینه بررسی کرده‌ام. در این کتاب، عوامل تعدیل‌کننده چهار قسم معرفی شده است:

۱- الزام اشخاص به بستن قرارداد، که برخلاف یکی از اصول ناشی از اصل آزادی قراردادی است. بر طبق این قاعده، طرف قرارداد به خلاف رضای خود مجبور می‌شود با دیگری قرارداد ببندد.

۲- بطلان قرارداد یا شروط غیر منصفانه

۳- مسئولیت تولیدکننده در مقابل مصرف‌کنندگان و حتی در مقابل سایر مردم؛ چون ممکن است کسانی از کالای معیوب صدمه ببینند که در زمره مصرف‌کنندگان نیستند، مانند این که در اثر آتش گرفتن اتومبیل، موجب سرایت آتش به مغازه‌ای شود و تمام کالاهای آن بسوزد. در این‌گونه موارد هم باید به فکر جبران خسارت بود.

۴- تمهیداتی که برای پیش‌گیری از ضرر مصرف‌کننده قوانین مختلف اندیشیده‌اند، مانند هشدارهای لازمی که تولیدکننده باید به مصرف‌کننده بدهد و تأسیس موسساتی از قبیل استانداردها که مرغوبیت کالاها را تضمین می‌کند تا از بروز اختلاف در مسئولیت تولیدکننده در مقابل مصرف‌کننده، پیش‌گیری شود.

۱. ناصر کاتوزیان، مسئولیت ناشی از عیب تولید ش ۶ - کلמן (Jules L.Coleman)، خطر و خطاها، فصل ۲۰ Product Liability، ص ۴۰۸ و ۴۰۹.

الف- الزام اشخاص به بستن قرارداد

اجبار تولید کننده به معامله کردن، منشا قانونی دارد و قانون گذار در بسیاری از موارد اشخاص را به معامله کردن موظف می کند: به عنوان مثال احتکار و جمع آوری نیازمندی های عمومی را برای فروش به قیمت بالاتر، جرم تلقی می کند یا در مواردی موجر موظف می شود قرارداد اجاره را با مستاجر تجدید کند. به این قراردادها *contra contians imposés* یا قراردادهای تحمیلی می گویند. در این گونه قراردادها رضا که عنصر اصلی قرارداد است وجود ندارد. برای مثال رانندگان وسایل نقلیه عمومی به پذیرش مسافر مجبور می شوند. پرسشی که مطرح می شود بدین مضمون است که، همان گونه که قوانین می توانند اشخاص را به معامله کردن مجبور کنند، آیا دادگاه ها هم می توانند، به دلیل تجاوز به نظم عمومی و اخلاق حسنه، کسی را وادار به معامله کنند؟ اگر به استناد نظم عمومی و اخلاق حسنه می توان از قراردادهای مزاحم جلوگیری کرد، آیا عکس آن هم ممکن است؟ آیا به استناد نیازی که مردم به کالای تولید کننده دارند، دادگاه می تواند بدون وجود ثانون او را به معامله کردن مجبور کند؟

این سوال در حقوق ما خیلی کم مطرح شده است و شاید برای اولین بار در جلد اول قواعد عمومی قراردادها آن را مطرح کردم. ولی، در حقوق آلمان، سابقه ای بسیار طولانی دارد. تحولاتی که در نتیجه دو جنگ جهانی پیش آمد این مسئله را طرح کرد که، کسانی که کالای مورد نیاز عموم را در اختیار دارند و به خصوص در انحصار می گیرند، آیا اجازه دارند به میل خودشان با دیگران معامله کنند یا این که وابستگی اشخاص به جامعه اقتضا دارد در کنار داد و ستد خصوصی، گفته شود خدمت عمومی هم انجام می دهند؟ این مسئله مدت ها است از آلمان شروع و مطرح شده است.

لارنس یکی از نویسندگان آلمانی در این مورد می گوید: «نظم اقتصادی و اجتماعی زمان ما استقلال افراد را در روابط با یکدیگر از بین برده است. همه ناگزیرند از وسایل نقلیه و آب و برق و گاز استفاده کنند و چون تهیه این وسایل جز به وسیله مؤسسات معین امکان ندارد، اگر این مؤسسه ها در رد و قبول مشتریان خود آزاد باشند، بی عدالتی و نابرابری بین مصرف کنندگان ایجاد می شود. پس نظم عمومی ایجاب می کند که وقتی تامین نیازهای عمومی در عمل یا به حکم قانون در انحصار مؤسسه ای قرار می گیرد، آن کار خدمت عمومی به شمار آید و تنها در جهت منافع همگانی اجرا شود: (نقل از Rieg, No 213 infra) با این حال، در خود آلمان راجع به مبنای آن با هم اختلاف نظر دارند.

نی پردی (Nippeadey)، یکی از نویسندگان آلمانی، اعتقاد دارد که اجبار اشخاص تنها در صورتی چهره قانونی دارد و مشروع است که اولاً انحصار ایجاد شده باشد و ثانیاً از انحصار بهره برداری غیر اخلاقی شود، وگرنه در سایر مسائل این اجبار ممکن نیست. برعکس بولک

(Bulk) ولارنز معتقدند که انحصار نباید مبنا باشد؛ هر جا که نیازهای عمومی اقتضا کند باید این محدودیت را ایجاد کنیم. بولک یکی از نویسندگان آلمانی مثالی می‌آورد بدین مضمون که، فرض کنید معلمی در دهکده‌ای زندگی می‌کند که مواد غذایی خود را از دو سوپر مارکت موجود در آن جا می‌تواند بخرد. پسر یکی از صاحبان سوپر مارکت‌ها شاگرد این معلم است و به همین دلیل به او جنس نسبی می‌دهد و فکر می‌کند پسرش به دلیل این احسان در امتحان قبول خواهد شد. برخلاف انتظار او شاگرد معلم و فرزند وی رد می‌شود. صاحب مغازه از فروختن جنس به معلم خودداری می‌کند و فروشگاه دیگر دهکده هم به دلیل آن که مدت‌ها معلم از وی جنس نخریده است، حاضر به فروش مواد غذایی به او نمی‌شود. موضوع در دادگاه مطرح می‌شود و دیوان عالی نظر می‌دهد که آنها موظف اند که کالای مورد نیاز او را در اختیارش بگذارند. البته دادگاه‌های آلمان تمایل دارند این قاعده را در موارد انحصار به کار ببرند. نویسندگان معتقدند انحصار را باید خیلی وسیع معنی کرد چنان که در این مثال، دو سوپر مارکت را دادگاه از موارد انحصار دانست. (Ibid.No.216)

دادگاه‌های فرانسه هم چنین گرایشی دارند، منتها باید بین مواردی که ضرورتی برای نیازهای عمومی ندارد و غیر آن تفاوت گذاشت. برای مثال، صاحب رستورانی می‌گوید در این رستوران همه باید با کراوات بیایند و با لباس دیگر کسی را راه نمی‌دهد. چنین چیزی در خیلی از کشورهای دنیا هست و کسی هم با آن مخالفت نمی‌کند. ولی اگر دارو فروشی به خاطر وضع ظاهری طرف از فروختن دارو خودداری کند، می‌توان او را موظف به فروش کرد. Couit de cassation, 12 May 1854; Dalloz, 54, 1, 208; Colin of capitant vol. 2, No. 614; Planiol & Aiman, vol. 6, No. 577; 16 Feb. 1896; Dolloz, 96. 1, 441

ما هم، با توجه به اصول کلی حقوق خود، می‌توانیم از همین رویه‌ها الهام بگیریم و اجرا کنیم. در پاورقی جلد اول قواعد عمومی قراردادها گفته‌ام که، به استناد نظم عمومی می‌شود اشخاص را به معامله کردن مجبور کرد و ملاک این گفته هم در امثال احتکار که اشخاص را مجبور می‌کنند، هست. به ویژه، در مواردی که شخص به عنوان مأمور عمومی انجام وظیفه می‌کند، باید خدمتی را که بر عهده او گذارده شده است به سود جامعه بجا آورد. در این حالت او خدمتگزار عموم است و از اصل آزادی که ناظر به قراردادهای خصوصی است استفاده نمی‌کند، خواه این وظیفه را دولت به طور مستقیم انجام دهد مانند فرهنگ و راه آهن یا به وسیله مشاغلی که امتیاز آن از طرف دولت و با مقررات خاص داده شود. مانند تصدی دفاتر اسناد رسمی و مدارس ملی و مؤسسات پزشکی (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱ ش ۱۱۹).

ب- ابطال قراردادهای زیانبار

گاه قراردادی برای مصرف‌کننده چنان زیان دارد که در نظام حقوقی قابل تحمل نیست. در نظام‌های مختلف، قراردادهای مخالف با نظم عمومی و مخالف با اخلاق حسنه را معتبر نمی‌دانند. چنان که در ماده ۹۷۵ قانون مدنی هم چنین مصادیقی داریم. ولی مشابهت این ماده با حقوق خارجی دلیل نمی‌شود که حقوق ما با هم مشابهت داد. متون مشابه‌اند ولی در رویه قضایی کمتر موردی را می‌بینیم که دادگاه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه استناد کرده باشد و این وضع جای تاسف دارد. از یک سو، ما آمار کافی و دقیقی از وضع رویه قضایی نداریم و از سوی دیگر، مفاهیم جدید کمتر به قضات انتقال پیدا می‌کند.

مدت‌هاست در این اندیشه‌ام که چگونه می‌توان بین کاخ و مدرسه تلفیق کرد و دانشی را که در دانشگاه‌ها هست به رویه قضایی و آرای دادگاه‌ها تزریق کرد. یکی از راهکارها، نقد آرای دادگاه‌ها است. استادان دانشگاه به دلیل دانستن زبان و داشتن وقت کافی می‌توانند مطالب جدید را ساده‌تر به دست آورند ولی قضات به دلیل اشتغال زیاد این امکان را ندارند. وانگهی، وقتی قاضی بداند که رأی او مورد انتقاد متخصص، صرف‌نظر از هر گونه گرایش سیاسی، قرار می‌گیرد، سعی می‌کند که به پرونده بیش‌تر برسد و دقت لازم را بکند. این از آرزوهای من است و در تلاش برای دست‌یابی به آن موفقیت‌های نسبی هم پیدا کرده‌ام. کتابی نوشته‌ام در توجیه نقد رویه قضایی، ولی کافی نیست. این کار یک نفر نیست باید همه دست به دست هم دهند و این نقیصه را برطرف کنند.

برای نشان دادن اهمیت نظم عمومی مثالی از رویه قضایی دادگاه فرانسه می‌آورم: پزشکی با آزمایشگاهی قرارداد می‌بندد که آزمایش بیماران را به آن آزمایشگاه بسپارد و در مقابل درصدی از درآمد آن به پزشک پرداخت شود. چنین قراردادی در همه جا هست، ولی دیوان کشور فرانسه آن را به دلیل مخالفت با نظم عمومی باطل می‌داند و استدلال می‌کند وقتی پزشک در درآمد آزمایشگاه ذی‌نفع بود، ممکن است بی‌دلیل مریض را برای آزمایش بفرستد و از او بهره‌برداری کند. این‌گونه مسائل زیاد دیده می‌شود ولی در رویه قضایی ما مثال‌های زیادی درباره استناد به نظم عمومی نداریم. (همان، جلد ۱، ش ۱۰۲)

علاوه بر این، مبارزه با شروط گزاف یا شروط آمیخته با حيله، در حقوق اروپا به صورت یک امر بین‌المللی در آمده است. در قراردادهای الحاقی، یکی از طرفین قرارداد شرایط را معین می‌کند و دیگری فقط می‌تواند آن را بپذیرد و حق کم و زیاد کردن ندارد. در این قرارداد یک طرف می‌تواند هر چه بخواهد به طرف دیگر تحمیل کند. شما که احتیاج به برق دارید اداره برق قرارداد چند صفحه‌ای را ارائه می‌کند که شما در امضای آن آزادید؛ ولی بدون برق که نمی‌شود زندگی کرد! قرارداد آب و تلفن و حمل و نقل هم همین‌طور است.

بنابراین برای اجرای عدالت کافی نیست که دولت بگوید، چون طرفین تراضی کرده‌اند و با هم توافق دارند، دیگر نگران عدالت نیستم. در این‌گونه موارد هم باید نگران عدالت بود، چون طرف توانا با نیروی اقتصادی برتر می‌تواند اراده خود را بر دیگری تحمیل کند. کارگری که به نان شب نیازمند است در مقابل کارفرمایی قرار می‌گیرد که قادر است دو سال کارگاه را تعطیل کند تا از منافع سرشار بعدی استفاده کند. رو به رو شدن این دو با هم، عدالت را تأمین نمی‌کند. بنابراین، دولت باید در قراردادهایی که با شروط گزاف همراه هستند و تعادل بین حقوق و تکالیف طرفین را به هم می‌زنند، دخالت کند. نظیر این مورد را ما در قراردادهای بیمه داریم. رویه قضایی دادگاه‌های ما هم تقریباً چنین است. در قرارداد بیمه، که بیمه‌گر شرایط قرارداد را تعیین می‌کند و بیمه‌گذار حق بر هم زدن آن را ندارد، شروط قرارداد باید به نفع بیمه‌گذار تفسیر شود، چون عقد بیمه عقد با حسن نیت تعریف شده است.

ج - مسئولیت تولیدکنندگان در مقابل مصرف‌کننده

قاعده سنتی این است که اگر کسی کالایی را به دیگری بفروشد و در آن عیبی باشد، خریدار حق دارد یا قرارداد را فسخ کند یا ارزش بگیرد. ارزش خسارت تفاوت قیمت سالم یا قیمت مال معیوب است. این قاعده در قدیم نیازها را رفع می‌کرد ولی امروز، به دلیل صنعتی شدن جوامع، ناقص به نظر می‌رسد، زیرا اولاً: مسئولیت را به خریدار و فروشنده محدود می‌کند و شخص ثالث از آن سودی نمی‌برد، مگر این که شخص ثالث قائم مقام خریدار باشد. ثانیاً: خساراتی که از کالای معیوب به شخص وارد می‌شود، محدود به تفاوت قیمت نیست. ماشینی که چرخ استوار و منظم ندارد ممکن است واژگون شود و چند نفر را بکشد. خسارات ناشی از اینها با ارزش گرفتن و با اختیار فسخ جبران نمی‌شود و فقط با استناد به تسبیب قابل جبران است. ولی، در مسئولیت قهری، زیان‌دیده باید رابطه سببیت و تقصیر مرتکب را ثابت کند؛ کاری که بسیار دشوار است. در چرخه پیچیده تولید کنونی، اثبات تقصیر یکی از موانع بزرگی است که نمی‌گذارد زیان‌ها به مجل خود و به شایستگی پرداخته شود. در راستای مبارزه با این وضع، ما اصول مبنایی داریم که ما را در این زمینه یاری می‌دهد.

مبنای مسئولیت مدنی ما، قاعده لاضرر است و این قاعده بر جبران ضرر زیان‌دیده تکیه می‌کند نه بر مجازات کسی که مقصر است. بنابراین، در هر مورد که تردید ایجاد شود، گرایش‌ها باید به طرفی باشد که زیانی جبران نشده باقی نماند. برای جلوگیری از این کار، بر مبنای اصل آزادی قراردادی، رویه‌های قضایی تلاش‌هایی کرده‌اند. از جمله این که: وقتی کسی کالایی را تبلیغ و به بازار عرضه می‌کند، در واقع سلامت آن را تضمین می‌کند و این تضمین تعهد به نتیجه است نه تعهد به وسیله. بنابراین اگر تولیدکننده به علت نقض عهد ضرری به

دیگری زند، باید خسارات را بپردازد. در این صورت مدعی نیازی به اثبات تقصیر متعهد ندارد. زیرا، نقض عهد خود تقصیر است و سبب ضمان.

مطلب دیگر این که وقتی اشخاص حرفه‌ای کالایی را می‌فروشند، فرض بر این است که از عیب آن آگاهند. ماشین فروش نمی‌تواند بگوید که نمی‌دانستم جرخ خودرو ثابت نمی‌ماند، ولی از مصرف‌کننده عادی ممکن است این ادعا پذیرفته شود.

دیوان کشور فرانسه، قبل از تصویب قوانین مربوط به حمایت از مصرف‌کننده، به این وسیله تا اندازه‌ای این عیب‌ها را جبران می‌کرد ولی از بین نمی‌برد. مبنای آن رویه در حقوق ما هم هست. تقریباً همه فقها اعتقاد دارند که مبنای خیار عیب، رضای ضمنی طرفین است؛ یعنی وقتی کسی کالایی را به دیگری می‌فروشد، فرض بر این است که کالای سالم می‌فروشد و اگر خلاف آن ثابت شود حق فسخ دارد. منتها، ضمانت اجرای آن به گونه‌ای اعمال می‌شود که آن نتیجه مطلوب را نمی‌دهد.

مسئولیت مبتنی بر قرارداد و شرط ضمنی چند عیب بزرگ دارد: یکی این که اگر تولیدکننده شرط صریح کند که مسئول نباشد، دیگر استناد به شرط ضمنی کارایی ندارد. کسی که انحصاراً کالایی را در اختیار دارد می‌تواند از این انحصار استفاده کند و در قرارداد با مصرف‌کننده، در مورد عیوب، شرط عدم مسئولیت کند. عیب دوم این است که مسئولیت در چرخه مصرف‌کنندگان محدود می‌شود. کسانی که تماشاگرند و هیچ رابطه قراردادی مستقیم یا غیر مستقیم با تولیدکننده ندارند، اگر خساراتی ببینند، این خسارت جبران نمی‌شود. به همین جهت نظام‌های حقوقی متوجه این قاعده شده‌اند که تولیدکننده را باید قطع نظر از تقصیر، راجع به عیوب کالا مسئول قرار دهند. به بیان دیگر، مسئولیت را به قانون متکی کنند؛ به جای این که به قرارداد متکی کنند. به این مسئولیت، «مسئولیت محض» گفته می‌شود؛ قطع نظر از این که تقصیر رخ دهد یا نه.

علاوه بر فواید عملی، توجیهاتی هم از نظر فلسفی و اخلاقی برای این رویه شده است. امروز در حقوق مسئولیت مدنی ارزش‌هایی به وجود آمده است که سابق نبود. یکی از این ارزش‌ها، توزیع عادلانه خسارت است. توزیع عادلانه مناصب و مشاغل و ثروت از دیرباز مطرح بوده است. ارسطو که عدالت را به معاوضی و توزیعی تقسیم می‌کرد در عدالت توزیعی به همین ارزش نظر داشت. در فقه ما هم آمده است «من له الغنم فعلیه الغرم» (آنکه غنیمت می‌برد، غرامت را تحمل می‌کند) اما از توزیع عادلانه خسارت سخنی نبود. این فکر زاده توسعه یافتن صنعت و ایجاد جوامع سرمایه‌داری پیچیده است. مبنای فلسفی اندیشه این است که همبستگی اجتماعی در بین ما اقتضا می‌کند که در غم و شادی هم شریک باشیم؛ نه این که فقط مزایا را قسمت کنیم. از نظر فلسفی باید بین بخت بد و کردار بد تفاوت گذاشت. کسی

که رفتار بد دارد باید عواقب آن را تحمل کند. ولی، آیا عدالت اقتضا می‌کند کسانی که بخت بد می‌آورند سرنوشت آنان را به طبیعت واگذار کنیم و بگوییم طبیعت قربانی حادثه را انتخاب کرده است. به عنوان مثال عده زیادی ماشین پژو دارند و از آن استفاده می‌کنند، ولی اگر یکی از آنها خراب شود و خسارتی به بار آورد، مدعی شویم طبیعت انتخاب کرده است تا خسارت سهم او باشد؟! این غیر عادلانه است.

تمهیدی که بتواند خسارت را توزیع عادلانه بکند این است که ما مسئولیت را بر تولید کننده تحمیل کنیم و او هم برای آنکه آینده خود را تضمین کند، مجبور شود این مسئولیت را بیمه کند و حق بیمه را به قیمت کالا اضافه کند. در این صورت تمام مصرف‌کنندگان، این هزینه را می‌پردازند و اگر خسارتی وارد شود از آن محل پرداخته می‌شود. به بیان دیگر، به جای این که ما حادثه را به طبیعت واگذار کنیم و بگوییم بخت بد موجب شده که قربانی خسارت را بدهد، تمهیدی به کار می‌بریم تا مصرف‌کنندگان این پول را بپردازند و این به معنی توزیع عادلانه بخت بد است.

علاوه بر این، مسئولیت داشتن تولید کننده باعث می‌شود که سعی کند کالا را با کمترین قیمت و با مرغوبیت کامل به بازار عرضه کند، چون هر چه کالا مرغوب‌تر باشد مسئولیتش کمتر می‌شود. ایرادی که می‌کنند که این است که تولید کننده مسئولیتش را بیمه می‌کند و به قیمت کالا می‌افزاید، در نتیجه هیچ چیز بر وی تحمیل نمی‌شود. پاسخ این است که در بازار، رقابت سوداگران مانع آزادی تولید کننده در تعیین بهای کالا است و همین عامل رقابت را تعدیل می‌کند. به بیان دیگر، تولید کننده آزاد نیست کالایش به هر مقدار که مایل است قیمت‌گذاری کند. بنابراین ناچار است که بر مرغوبیت اضافه کند و با نفع کمتر مجبور می‌شود کالای مرغوب‌تر تهیه کند. این استدلال‌ها همگی جنبه اقتصادی، عینی و خارجی دارند و دیگر اصل استحسان و لا ضرر نقشی پیدا نمی‌کند.

در نظام نو بر مبنای مصالح اجتماعی، مسئولیت را تضمین می‌کنند. به همین جهت مسئولیت محض ابتدا از رویه قضائی دادگاه امریکا شروع شد و در سال ۱۹۸۰ به اتحادیه اروپا سرایت کرد. در ۱۹۸۵ اتحادیه اروپا از تمام کشورهای عضو خواست در داخل کشور خود مسئولیت محض را بپذیرند. البته اجازه داد از نظر حقوق داخلی تغییراتی هم بدهند ولی در موارد خاص بار مسئولیت را بر تولید کننده تحمیل کنند. دولت فرانسه بر اساس اصول‌گرایی ذاتی با این تحمیل مخالفت کرد. بعد از چند سال اتحادیه اروپا دولت فرانسه را جریمه کرد و دولتمردان مجبور شدند طرحی به پارلمان تقدیم کنند و مسئولیت محض یا مستقیم را در قانونی مدنی بپذیرند. بنابراین، در وضع کنونی مسئولیت محض تقریباً جنبه جهانی دارد. (ری. کاتوزیان، مسوولیت ناشی از عیب تولید، ش ۱۸ به بعد).

در کشور ما هم برای حمایت از مصرف‌کننده لایحه ناقصی تهیه شده است که شورای نگهبان با آن مخالفت می‌کند. به هر حال امروز دنیا به این سو می‌رود که تولیدکننده در مقابل منافعی که می‌برد، مجبور باشد خسارات را هم جبران کند.

د - پیش‌گیری از ضرر

برای پیش‌گیری از ضرر در کشورهای مختلف تمهیداتی اندیشیده‌اند که یکی از آنها تکلیف به هشدار است. تولیدکننده باید تمام احتمالاتی که باعث خسارت مصرف‌کننده است، به وی گوشزد کند و این خلاف اصل آزادی قرارداد است. تولیدکنندگان سیگار مجبورند ضرر داشتن آن را در پشت پاکت‌های سیگار بنویسند.

تمهید دیگری که وجود دارد این است که مؤسسات استاندارد کالای تولیدکنندگان را کنترل و بر آن مهر مرغوبیت می‌زنند. این کار تا اندازه‌ای می‌تواند به مصرف‌کننده اطمینان بدهد که کالا مرغوبیت کافی دارد. البته این از تولیدکننده رفع مسئولیت نمی‌کند. اگر رضایت استاندارد را بگیرد اولاً تکلیف قانونی را انجام داده و جنس را بدون علامت استاندارد به بازار نیاورده است و ثانیاً به خریدار اطمینان داده که کالایی مرغوب در اختیارش می‌گذارد. ولی، گواهی استاندارد سبب معاف شدن او از مسوولیت نمی‌شود.

پرسش و پاسخ

سوال: در حقوق اروپا رقابت بین تجار مختلف می‌تواند ضامن حسن نیت طرفین باشد و کسانی که از این رقابت عقب می‌مانند خود به خود از کار خارج می‌شوند، ولی در ایران که بیشتر صنایع در اختیار دولت است، مسئله تبعیض مطرح می‌شود.

جواب: متأسفانه در زمان تصویب قانون اساسی مسائلی باعث شد این موانع پیش‌آید که الان با خصوصی‌سازی آن را کم کم از بین می‌برند و همان رقابتی که مدنظر شما است در بازار ما هم کم کم رونق می‌گیرد.

البته رقابت هم به طور کامل نمی‌تواند بی‌عدالتی را از بین ببرد و باز هم زرنگ‌ترها ممکن است به نحو انحصار کالایی را در اختیار بگیرند و حاکم بر بازار شوند. در بسیاری از مسائل عده‌ای بدون این که قانون به آنها اجازه داده باشد، بر بازار حاکم‌اند و می‌توانند نرخ‌ها را بالا و پایین ببرند. نرخ سکه و ارز در کشور ما اکنون چنین وضعیتی دارد. رقابت تا اندازه زیادی می‌تواند آن عیب‌ها را از بین ببرد، ولی به طور کامل نمی‌تواند.

سوال: این که براساس کردار بد شخص مسئولیت دارد ولی براساس بخت بد نباید مسئولیت داشته باشد، کلامی ارزشمند است. در حقوق جزا هم می‌گوییم باید بین تقصیر

اخلاقی و تقصیر جزایی تفاوت قائل شد. در تقصیر جزایی باید تمامی ارکان جرم وجود داشته باشد تا فرد مسئول باشد، در حالی که براساس فرض علم به قانون، مرتکب به صرف این که مرتکب این فعل شده مجازات می‌شود. یا به رغم آن که صغار و مجانین مسئولیت ندارند در مورد آنها اقدامات تأمینی اعمال شود که خود نوعی واکنش علیه مجرم است. آیا وجود این موارد هم می‌تواند در راه‌حلی که شما ارائه می‌دهید کارساز باشد؟

جواب: بین مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی این فرق عمده وجود دارد که در مسئولیت کیفری تکیه بر مجازات و قابل ملامت و مذمت بودن فعل است ولی در مسئولیت مدنی، گرایش بر ایجاد تعادل بین دو دارایی است. حتی وقتی کودک خسارتی به دیگری می‌زند طبق فقه و قوانین مدنی باید آن را جبران کند، در حالی که از نظر کیفری هیچ مسئولیتی ندارد. راه‌حلی که پیشنهاد کردم این بود که برای این که تمام بار از دوش کسی که به بخت بد دچار گرفتاری شده است برداشته شود، باید تمهیدی اندیشید که این خسارت عادلانه بین تمام کسانی که از آن محصول استفاده می‌کنند تقسیم شود. راه فنی این اقدام هم این است که مسئولیت را به عهده تولیدکننده بگذاریم و تولیدکننده چون نمی‌تواند در تاریکی قدم بردارد و نمی‌داند چه مقدار خسارت به او می‌خورد مجبور است، که سراغ بیمه برود و حق بیمه را هم در قیمت کالا لحاظ کند. در این جا همه مصرف‌کنندگان این خسارت را می‌پردازند و خودش هم به خاطر رقابت مجبور می‌شود قیمت را پایین بیاورد و جنس مرغوب‌تر عرضه کند.

سوال: چطور می‌توان گفت وقتی تولیدکننده کالا را تبلیغ می‌کند تعهد به نتیجه می‌دهد؟ در این جا عقدی وجود ندارد تا نافذ باشد.

جواب: در واقع سوال شما این است که آیا شروط بنایی به زبان فقهی در عقد الزام‌آور است یا نه؟ در فقه چند نظر داریم: عده‌ای مثل میرزای نائینی اعتقاد دارند شروط بنایی در حکم شرط ضمن عقد است و طرفین را ملزم می‌کند و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی می‌گویند شروط بنایی یکی از اقسام شروط ضمنی است که در قرارداد اعتبار دارد. قانون مدنی ما این نظر را پذیرفته است. در مورد نکاح به شروط قرارداد تصریح می‌شود یا بنای طرفین بر آن قرار دارد. کسی که می‌خواهد کالایی بفروشد بنای او بر این است که کالای سالم بفروشد و مفاد تراضی طرفین هم همین است هر چند در قرارداد نیاورند. اگر فروشنده بگوید جنس من معیب است، هیچ‌کس نمی‌خرد و حتی این بنا نوعی و عرفی است و طبق عقیده میرزا هم باید اجباری باشد. بنابراین، این که این جزء عقد بوده یا پیش از عقد، اکنون متفی است.

سوال: درست است که در صورت تعارض دولت می‌تواند به نفع مصرف‌کننده محدودیت‌هایی را در قراردادها به وجود آورد ولی مسئولیت محض چه تعارضی با اصل

آزادی قراردادها دارد؟ به نظر می‌رسد بین مسئولیت محض و خود اصل آزادی قراردادها هیچ تعارضی نیست.

جواب: موضوع بحث من محدودیت‌های اصل آزادی قراردادی و حمایت از مصرف‌کننده است و دنبال تمهیداتی هستیم که بتوان از مصرف‌کننده در مقابل تولیدکننده حمایت کرد. ربطش با مسئولیت محض در این است که اگر مسئولیت محض را قانون بپذیرد که هنوز قانون ما نپذیرفته، آن وقت تراضی بر خلافش هم پذیرفته است. در حالی که اگر مسئولیت بر مبنای همان شرط بنایی باشد، باید خلاف آن را در قراردادها ثابت کرد. برای این که اشخاص از انحصاراتی که در اختیار دارند سوءاستفاده نکنند و در قراردادها شروطی نگنجانند که مسئولیت را از خودشان سلب کند، دنبال راه‌حل هستیم. در قراردادهای حمل و نقل زیاد دیده می‌شود که موسسه حمل و نقل شرط عدم مسئولیت می‌کند. جلوی این کار باید گرفته شود. اگر مسئولیت محض را بپذیریم دیگر نمی‌تواند بگوید که من بیمه نمی‌کنم و مسئولیتش با خود تو است! اگر جنسی را شما به امریکا یا استرالیا بفرستید اداره پست آن را بیمه نمی‌کند و رسیدن یا نرسیدن برای او فرقی ندارد. باید از این کارها جلوگیری کرد.

سوال: با توجه به این که اصل آزادی قراردادی باید در چارچوب قوانین کشور و نظم عمومی باشد، اصل حاکمیت اراده انسان چه مواردی را در برمی‌گیرد؟ هم چنین در اصل آزادی قراردادی، دخالت دولت به چه صورت است؟ از ابتدا باید رضایت دولت باشد یا بعداً هم قابل تنفیذ است؟

جواب: در مورد قسمت اول سوال، طرفداران ایقاع می‌گویند شخص می‌تواند با اراده خودش را مدیون دیگران کند. این از اصل آزادی قراردادها استفاده نمی‌شود، اما از اصل حاکمیت اراده که یک چیز کلی‌تر از قرارداد است و به اراده مربوط است، استفاده می‌شود. اما در قسمت دوم مقصود من از دولت، قانون است، نه این که دولت با بخش نامه قراردادها را باطل کند. این را هیچ‌کس نمی‌گوید. مقصود این است که آیا قانون حق دارد قراردادها را خصوصی را محدود کند یا نه؟

امروز گرایش بر این است که یکی از شرایط اساسی صحت معامله علاوه بر قصد و رضا و اهلیت طرفین و جهت مشروع، مطابقت آن با نظام حقوقی است و اگر قرارداد با نظم عمومی و اخلاق حسنه مطابق نباشد، از اصل درست نیست. در چاپ جدید **اعمال حقوقی** من به جای این که نظم عمومی و اخلاق حسنه را جزء استثناها بیاورم، جزء قواعد آورده و گفته‌ام قرارداد در صورتی نافذ است که موافق مصالح عمومی باشد.

سوال: با توجه به این که طبق نظر حضرت عالی در نظام حقوقی ما در بحث مدنی فزض بر تقصیر است، با مسئولیت محض قابل جمع نیست. مطلب دیگر این که آیا در این جا به

موافقت فقه امامیه با دست عدم مخالفت نیاز داریم یا نه و اگر نیاز داریم چطور می‌توان به دست آورد؟

جواب: مسئولیت محض حتی در کشورهایی که پذیرفته‌اند، جنبه استثنایی دارد. در بعضی از کالاها که مسئولیت محض می‌تواند بی‌عدالتی را جبران کند، قانون مسئولیت محض را مقرر می‌کند و بدون قانون، مسئولیت محض محقق نمی‌شود. در امریکا پرانسر که خودش این مسئولیت را پیش‌بینی کرده است می‌گوید: در مورد دارو این مسئولیت نباید اجرا شود، چون ابتکار داروسازی را از داروسازها می‌گیرد. یا می‌گوید در روابط رانندگی نباید مسئولیت محض اجرا شود، برای این که هزینه را بالا می‌برد و هزینه کالاها بر همه مردم تحمیل می‌شود. مسئولیت محض در جاهایی کاربرد دارد که رویه قضایی یا قانون‌گذار بتواند با توسل به آن بی‌عدالتی را جبران نماید؟

سوال: آیا پذیرش مسئولیت محض با فقه مخالف نیست؟ و آیا با قاعده لاضرر سازگاری دارد؟

جواب: به نظر من با فقه مخالفت ندارد و مفاد قاعده لاضرر این است که ضرر باید جبران شود و این را بیشتر فقها قبول دارند. البته از کلمات شیخ استفاده می‌شود که قاعده لاضرر اثر منفی دارد نه مثبت، ولی من از ابتدا با این نظر مخالف بودم. اگر حدیث لاضرر اثر مثبت نداشت، پیامبر (ص) به استناد چه فرموده است درخت را قطع کنید! از اوضاع و احوالی که در آن قضیه اتفاق افتاده کاملاً بر می‌آید که این خسارت، خسارت معنوی بوده است و ما حق نداریم بگوییم خسارت معنوی قابل مطالبه نیست. هم چنین عمل پیامبر (ص) جنبه مثبت دارد و از پیامبر زیننده نیست که کار خلاف قانون کند. بحث اعرابی با پیامبر، ساختار قانونی بودن حکومت اسلامی را کاملاً نشان می‌دهد. هیچ‌کس حق ندارد دیکتاتور شود و بگوید من بالاتر از قانونم.

پیامبر (ص) به او گفت زمینت را بفروش، گفت که خودتان گفتید «الناس مسلطون علی اموالهم». گفت زمین را بخر همین جواب را داد. من زمینم را نمی‌فروشم، یعنی بحث با رئیس حکومت درباره اجرای قانون. از این نکات کمتر صحبت می‌کنند و راجع به آن شاید نتایج معکوس می‌گیرند. در چنین حکومتی وقتی پیامبر (ص) می‌گوید درخت را بکن، نمی‌شود گفت این خلاف قانون است و چون پیامبر (ص) بوده این کار را کرده است. ما باید از این قاعده بسازیم به خصوص که اکنون به نفع ماست. من در کتاب مسئولیت مدنی چندین سبب پیش مطالبی نوشتم و اخیراً آقای سیستانی در رساله قاعده لاضرر همین نظر را آورده‌اند که پشتیبان خیلی بزرگی برای آرای من است.

سوال: در طرح نمونه و در سایر قوانین راجع به مسئولیت محض (مثل بند ۱۱ ماده ۱۳۸۶ قانون فرانسه یا ماده ۸ قانون بلژیک) می‌گویند اگر کالا بدون رضایت تولید کننده عرضه شود، او دیگر مسئولیتی ندارد، در حای که طبق قواعد مسئولیت مدنی می‌توانیم چنین شخصی را هم مسئول بدانیم، چون شخصی که کالایی را مثلاً یک داروی خیلی خطرناک را تولید می‌کند، مسئولیتی برای اقدام دارد. حال سوال این است که چرا طبق قاعده مسئولیت محض که خیلی شدیدتر است، او را مسئول ندانیم؟

جواب: کارخانه‌ها ممکن است تولید کننده نباشند بلکه برای نمونه کالایی را بسازند. حال اگر کسی آن کالا را بدون رضایت آنها و بدون این که عرضه کنند به جای آنها عرضه کند و خسارتی از آن به وجود آید، طبیعی است که آن مسئولیتی نباید دامن گیر تولید کننده شود.

سوال: اگر کالای خطرناکی تولید شد نباید در یک فرصت معقول تولید کننده که از مزایا و معایب خبر دارد دیگران را مطلع کند یا دست کم اعلام کند چرخه تولید این کالا کامل شده است؟

جواب: اگر کالا به قدری خطرناک باشد که همه متوجه شوند و فایده‌ای هم نداشته باشد مثل مواد مخدر؛ در قلمرو حقوق جزا قرار می‌گیرد و مجازاتش می‌کنند، اما در کالاهای صنعتی معمولاً سازنده فکری دارد و فعلاً ساخته است تا روی حیوانات آزمایش کند. حال اگر کسی آن را به انسان بدهد، تولید کننده نباید مسئولیت داشته باشد. در عین حال که مسئولیت محض مبتنی بر تقصیر نیست، به نظر من در هر عیبی گونه‌ای از تقصیر وجود دارد و وقتی کالای معیوب به بازار عرضه می‌شود به این معناست که در چرخه تولید تقصیری رخ داده است منتها نمی‌توانیم مقصر را تشخیص بدهیم. هر قطعه‌ای از ماشین در یک کشور ساخته شده است و هر گاه حادثه‌ای رخ دهد به راحتی نمی‌توان گفت چه کسی مقصر است؛ ولی اجماً می‌دانیم که این عیب وجود دارد.

این از مواردی است که براساس تعداد اسباب، راه‌حل‌های مهتلف در حقوق کشورها دارد. برخی برای تمام کسانی که دخالت داشته‌اند مسئولیت تضامنی قائل‌اند و می‌گویند همه این‌ها مسئولند و در مراجعه خصوصی به خودشان می‌توانند مقصر را بیابند. من این قسم از تقصیر را تقصیر سازمانی می‌نامم چون به سازمان نسبت داده می‌شود ولی شخص معین نیست. فرض کنید عده‌ای انجمنی تشکیل می‌دهند به نام انجمن شکارچیان. موقع شکار، تیر یکی از آنها گاوی را در مزرعه می‌کشد و مسئول را نمی‌شناسیم. اگر آن‌طور که در قانون جزا گفته‌اند قرعه بکشیم، غیر منطقی است. در این جا باید همه شرکت‌کنندگان مسئولیت تضامنی قائل شویم و در حقوق جزا در این خصوص تئوری‌های مختلف ابراز شده است که صرف نظر می‌کنم.

سوال: اگر تولیدکننده کالای معیوب را به مصرف‌کننده بدهد و باعث شود مصرف‌کننده نفعی را از دست بدهد (عدم النفع)، آیا باز هم تولیدکننده مسئول است؟

جواب: خیر. در تمام نظام‌هایی که مسئولیت محض را پذیرفته‌اند یا سقفی برای مسئولیت قائل شده‌اند یا مسئولیت را به ضررهای بدنی و مالی اختصاص داده‌اند و منافع از دسته رفته را تابع مسئولیت محض نمی‌دانند. مسئولیت محض یک امر استثنایی است و باید دید قانون‌گذار آن را مربوط به چه می‌داند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۲)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، مفهوم عقد، انعقاد و اعتبار قرارداد، تهران، چاپ دوم.
۲. کاتوزیان، ناصر، مسوولیت ناشی از عیب تولید، (۱۳۸۴)، مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده، آثار برگزیده حقوقی (۲۰)، انتشاران دانشگاه تهران، چاپ دوم.

ب- خارجی

- 1- Colin, et Henri capitant, **Traité de droit civil**, T.II, par Léon Julliot de la Morandire, paris, 1959.
2. Dolloz, **Recueil periodique et critique, de Legislation et de La doctrine**, paris.
3. Mazeaud (Henri, Léon et Jean), **Leçons de droit civil**, T. II volume premier, obligation, paris, 2002.
4. Rieg, Alfred, **Le rôle de la volonté dans L acte Juridique en droit civil français et Allemand**, Paris, 1961.
5. Planixol, Ripert, **Traiti pratique de droit civil français**, T.VI, par paul Ermein, Paris, ed, II.
6. Bonney, paul R., **Manufacturers, strict Liability par Handgum njuries**, Lexis publishing 1996.
7. Coleman. JulesL... **Risks and wrongs** Cambridge university Press, 1992.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی»، شماره ۱۸، سال ۵۴؛ «نقش قراردادهای خصوصی در نکاح»، شماره ۲۰، سال ۵۶؛ «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، شماره ۲۱، سال ۵۸؛ «استصحاب حکومت یقین بر شک»، شماره ۲۲، سال ۶۰؛ «مبنای حقوقی انفساخ عقد جایز در اثر مرگ و حجر یکی از دو طرف»، شماره ۲۵، سال ۶۹؛ «وضع حقوقی بنا و درخت احداث شده به وسیله خریدار»، شماره ۲۸، سال ۷۱؛ «جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی»، سال ۷۶، شماره ۳۶؛ «معمای تجدیدنظر در احکام و تعارض نیروهای اجتماعی»، سال ۷۶ - شماره ۳۷؛ «ارزش سنت و جذبه عدالت در توارث همسران»، سال ۷۷، شماره ۳۹؛ «حاصل جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا»، سال ۷۷، شماره ۴۱؛ «خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی»، سال ۷۸، شماره ۴۳؛ «نقدی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۲۶ مرداد ۱۳۷۶»، سال ۷۸، شماره ۴۵؛ «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن»، سال ۷۹، شماره ۴۸؛ «نقد قانون گرایبی افراطی»، سال ۷۹، شماره ۴۹؛ «ستایش قرارداد، یا اداره قرارداد»، سال ۸۰، شماره ۵۲؛ «کارشناسی؛ علم و تجربه در خدمت عدالت»، سال ۸۲، شماره ۶۲، ماهیت و اثر اماره حقوقی»، سال ۸۳، شماره ۶۴، «یأس از اثبات و اصل براءت»، سال ۸۳، شماره ۶۶؛ «حمایت از زیان دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، سال ۸۴، شماره ۶۸. «مسئولیت ناشی از تولید و عرضه سیگار» سال ۸۶، شماره ۳. «عدالت و حقوق بشر» سال ۸۶، شماره ۳؛ «ویژگی های اعتبار امر قضاوت شده در امور کیفری نقدی بر قرار دادیار» سال ۱۳۸۶، شماره ۱. «مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی»، سال ۱۳۸۷، شماره ۲.